

موانع و راه‌حل‌های مسئله فلسطین

سید علی آقا حسینی^۱

چکیده

رژیم صهیونیستی که فرزند نامشروع استعمار و استکبار جهانی است. سالیانی درازی است که با حمایت‌های همه‌جانبه کشورهای غربی علی‌الخصوص آمریکا در سرزمین فلسطین، هرروز دست به جنایات ضد بشری می‌زند. این‌هایی که همیشه دم از حقوق بشر می‌زند در قبال این ظلم آشکار، چشم‌هایشان کور و زبان‌های لال و گوش‌هایشان کر شده است. در باب حل قضیه فلسطین و جراحی غده سرطانی اسرائیل از قلب سرزمین‌های اسلامی، یک سری موانع و یک سری راه‌حل‌ها وجود دارند؛ از جمله موانع می‌توان به عدم اتحاد مسلمین، حمایت‌های غرب و آمریکا از رژیم اسرائیل و سلطه اقتصادی و رسانه‌ای غرب و رژیم صهیونیستی بر جهان را اشاره کرد. راه‌حل‌ها هم دو نوع راه‌حل داریم یکی راه درست است و دیگری راه‌حل غلط؛ مذاکره با اسرائیل، راه‌حل غلطی است؛ زیرا رژیم صهیونیستی به هیچ‌یک از ارزش‌های انسانی و قطعنامه‌های سازمان ملل متحد پایبند نیست؛ اما راه‌حل درست این قضیه فراندوم از همه مردم واقعی فلسطین است، چون فراندوم یک فرمول دنیاپسند و منطبق همه افکار جهانی است.

کلیدواژه‌ها: فلسطین، اسرائیل، استکبار جهانی، نظام سلطه، حقوق بشر آمریکایی

۱. دانشجوی مقطع لیسانس جامعه‌شناسی دانشگاه کابل و طلبه حوزه علمیه رسالت، جامعه‌المصطفی العالمیه - کابل.

مقدمه

«لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا الْيَهُودَ وَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا»؛ (مائده: ۸۲) یقیناً سرسخت‌ترین مردم را در کینه و دشمنی نسبت به مؤمنان، یهودیان و مشرکان خواهی یافت.

تاریخ گذشته یک ملت گویای صفات و ویژگی‌های آن ملت است. یکی از اقوام مشکل‌دار و بهانه‌جو در طول تاریخ که قاتل پیامبران الهی است، قوم یهود است. بی‌دلیل نیست که قرآن کریم اهتمام ویژه‌ای به بیان اوصاف و ویژگی‌های این قوم دارد و یهود و مشرکین را دشمن‌ترین کسان نسبت به مؤمنان معرفی می‌کند و تاریخ این قوم (یهود) با کشت و کشتار و مکر و حيله و فریب عجین شده است. امروزه هم یهود، با حرکت ظالمانه صهیونیست پیوند خورده است که باعث به وجود آمدن رژیم غاصب اسرائیل در قلب سرزمین‌های اسلامی، یعنی فلسطین شده است.

رژیم غاصبی که در سال ۱۹۴۸ رسماً تأسیس شد که البته نطفه آن بیش از پنجاه سال پیش از تأسیس، با کمک کشورهای استعمارگر و استثمارگر از جمله انگلیس منعقد شده بود (بیات، ۱۳۹۸، ۳۰۷). رژیم صهیونیستی از بدو تأسیس (۱۹۴۸) تاکنون از هیچ نوع ظلم و ستمی در حق مردم مظلوم فلسطین دریغ نکرده است و هر نوع جنایتی که به فکرش رسیده بر سر ملت فلسطین آورده است. اعمال ضد اسلامی و انسانی آنان بر کسی پوشیده نیست در حالی که خودشان نیز این دشمنی را انکار نمی‌کند و جنایات این رژیم هر روز ددمنشانه‌تر می‌شود.

۱. سیر تاریخی صهیونیسم

۱-۱. آشنایی با صهیونیسم

«صهیونیسم» نام یک جنبش ناسیونالیستی یهودی است که هدف آن ایجاد یک دولت خودمختاری یهودی در فلسطین بود. صهیونیسم صورت دنیوی و ملت پرستانه‌ای از یهود است که پس از پیدایش موج جدید یهودستیزی، در اواخر قرن نوزدهم پدید



آمد. این جنبش نام خود را از کوه «صهیون» در اورشلیم گرفته است که ظاهراً آرامگاه داوود نبی (ع) در آن قرار دارد. واژه صهیونیسم به تدریج نماد سرزمین مقدس شد». (بیات، ۱۳۹۸: ۳۰۳)

۱-۲. تحول تاریخی صهیونیسم

«فلسطین را که در عبری آن را ارض اسرائیل می‌خوانند، در نظر یهودیان همان ارض موعودی است که خداوند به بنی اسرائیل وعده داده است. یهودیان بعد از ویرانی بیت المقدس (اورشلیم) در سال ۷۰ میلادی توسط رومیان از فلسطین رانده شدند و از آن به بعد به‌طور پراکنده در میان ملت‌های دیگر به‌صورت اقلیتی منزوی زندگی می‌کردند و البته گاهی مورد اذیت و آزار قرار می‌گرفتند؛ اما علی‌رغم پراکندگی و تشتت، وحدت دینی خود را حفظ کردند» (همان: ۳۰۳) و همین حفظ وحدت دینی یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت یهودیان در طول تاریخ بوده است. بسیاری از یهودیان آرزوی بازگشت به ارض موعود (فلسطین) را در سر داشتند و این احساس تعلق به ارض موعود همواره الهام‌بخش یهودیان در طول تاریخ بود؛ اما این جریان هیچ‌گاه به‌طور مستمر دنبال نگردید. تا وقتی که در قرن نوزدهم جریان‌های ضد یهودی در اروپا بیشتر و بیشتر شد و صهیونیسم در پاسخ به این جریان‌های ضد یهودی به وجود آمد.

«صهیونیست‌ها، یعنی یهودیانی که ده‌ها قرن بود که در اطراف و اکناف دنیا به‌صورت پراکنده زندگی می‌کردند و چون گاهی مورد اذیت و آزار اروپایی‌ها قرار می‌گرفتند و این‌ها دنبال یک نقطه‌ای بودند که در آن جمع شوند و به دلیل اینکه (یهود) مردم خیانت‌پیشه‌ای هستند و به دلیل اینکه کتاب مقدسشان به آن‌ها اجازه داده که اگر به سرزمینی رفتید، رحم در شما نباید وجود داشته باشد و از هیچ وسیله‌ای برای پیشبرد اهدافتان امتناع نکنید، بعد هم که انگلستان وسیله مهاجرتشان را فراهم کرد، به این سرزمین (فلسطین) مهاجرت کردند و زمین‌ها را خریدند» (مطهری، ۱۳۸۸، ۱: ۲۷۲) و این زمین‌ها را بسیار به قیمت گزاف از فلسطینیان که از طرح و نقشه این‌ها بی‌خبر بودند، خریدند و کم‌کم و آرام‌آرام جای پای خود را در این

سرزمین محکم کردند تا اینکه اولین کنگره^۱ صهیونیست‌ها در بازل سوئیس در سال ۱۸۹۷ تشکیل شد (بیات، ۱۳۹۸: ۳۰۴) و در آن هدف صهیونیست‌ها مبنی بر تشکیل یک دولت یهودی در فلسطین در خلال پنجاه سال رسماً اعلام شد.

«بنیان‌گذار این جنبش (صهیونیسم) شخصی بنام تئودور هرتزل^۲ (۱۸۴۰-۱۹۰۴) که یک روزنامه‌نگار اتریشی بود است. هرتزل کتابی نوشت تحت عنوان دولت یهود^۳ که اندیشه خود را مبنی بر ایجاد یک دولت یهودی به جامعه آن روز یهودیان بیان کرد. هرتزل با این کارش صهیونیسم را به یک استراتژی بلندمدت سیاسی تبدیل کرد که قبل از آن صهیونیسم صرف یک واژه مذهبی بود. او با دادن این طرح علی‌رغم عقیده یهودیان مبنی بر ارض موعود و ایجاد یک دولت یهودی در ارض موعود را زیر پا گذاشت و خواستار دولتی سکولار در فلسطین شد. او معتقد بود با وجود فشارهای خارجی، یهودیان مجبورند یک دولت ملی را در فلسطین ایجاد کنند تا در آنجا زندگی آرامی داشته باشند». (همان)

«هرتزل برای تحقق آرزوی صهیونیسم ابتدا به سلطان عثمانی پیشنهاد داد تا خودمختاری فلسطین را اعلام کند و زمینه را برای مهاجرت یهودیان به آن منطقه فراهم آورد؛ اما سلطان عثمانی پیشنهاد وی را نپذیرفت و او به انگلستان متوسل شد. انگلیسی‌ها پیشنهاد کردند تا منطقه‌ای غیر مسکونی در اوگاندا را به یهودیان واگذارند. اقلیتی از صهیونیست‌ها از این پیشنهاد استقبال کردند؛ اما هرتزل و اکثریت یهودیان خواهان سرزمین فلسطین بودند». (همان)

«هرتزل در سال ۱۹۰۴ م درگذشت و مرکز جنبش صهیونیسم بعد از او به شهر کلن آلمان و سپس به برلین و بعداً به لندن انتقال داده شد. در ۱۹۰۵ کنگره صهیونیست‌ها ایجاد دولت یهود در غیر فلسطین را مردود شمرد». (بیات، ۱۳۹۸: ۳۰۵) پیش از جنگ اول جهانی هواخواهان جنبش صهیونیسم را تعداد کمی از یهودیان ساکن در

۱. کنفرانس صهیونیستی که دانشمندان و متفکران و سران سازمان‌های صهیونیستی را در شهر بازل سوئیس به سال ۱۸۹۷ گردهم آورد، سندی خطرناکی منتشر شد. در این سند صهیونیست‌ها یک طرح صهیونیستی برای تسلط بر جهان را در درازمدت مشخص کرده‌اند و یک هدف مقطعی - کوتاه‌مدت - برای تشکیل کشور صهیونیستی در فلسطین در خلال پنجاه سال ارائه کردند.

2. Theodor Herzl

3. Juden State



روسیه و کشورهای اروپای شرقی به خصوص لهستان تشکیل می‌دادند، ولی زعامت این جنبش را یهودیان آلمانی و اتریشی بر عهده خود داشتند و همین هدایت و رهبری باعث شد که آرام‌آرام موجی از مهاجرت به سمت سرزمین فلسطین شکل بگیرد. «در سال ۱۹۱۴ حدود ۹۰ هزار از یهودی‌ها در فلسطین ساکن گردیدند و حدود ۱۳ هزار مهاجر یهودی نیز در حومه شهرها به‌عنوان مهاجر زندگی می‌گردند. در آستان جنگ جهانی اول، جیمز وایزمن - که بعداً به‌عنوان اولین رئیس‌جمهور اسرائیل انتخاب گردید- مساعی زیادی نمود تا از حکومت وقت انگلیس پیمان‌هایی در خصوص تشکیل یک دولت دلخواه صهیونیست‌ها در فلسطین بگیرد». (همان: ۳۰۵-۳۰۶) سرانجام در سال ۱۹۱۷ وزیر خارجه وقت انگلیس (بالفور) اعلامیه‌ای صادر نمود که در آن قول داده بود که از تشکیل دولت یهودی در فلسطین حمایت کند و چنین هم کرد. با اعلام این اعلامیه اولین پایه‌های کشوری به نام اسرائیل در سرزمین فلسطین به زمین کوبیده شد.

نبرد بین امپراتوری عثمانی و بریتانیا به سود یهودیان و زیان فلسطینی‌ها تمام شد. بعد از این نبرد، امپراتوری عثمانی از هم پاشید و فلسطین به انگلیس واگذار شد و تحقق وعده بالفور به تدریج فرارسید. بعد از این اعلامیه بالفور روند مهاجرت یهودیان به فلسطین رشد سریعی نمودند. «در سال ۱۹۲۵ جمعیت یهود در فلسطین حدود ۱۰۸ هزار نفر بود و در سال ۱۹۳۳ به ۲۳۸ هزار نفر رسید که تقریباً ۲۰ درصد از کل جمعیت فلسطین را شامل می‌شد و بعد از ظهور هتلر؛ فشاری را که نازی‌ها بر یهودیان وارد کردند روند مهاجرت حتی بیشتر از قبل شد و جمعیت زیادی از یهودیان به سرزمین فلسطین سرازیر شدند. بعد از جنگ دوم جهانی که اختلاف میان مسلمانان و یهودیان به اوج رسیده بود، دولت بریتانیا مسئله فلسطین را به سازمان ملل وا گذاشت و پیشنهاد کرد دو دولت عربی و یهودی در فلسطین تشکیل شود و بیت المقدس به‌عنوان شهر بین‌المللی انتخاب گردد و سازمان ملل این پیشنهاد را پذیرفت و قطعنامه‌ای در تأیید آن صادر کرد. بعد از صدور این قطعنامه بود که اعلام گردید و در پی آن اولین مرحله جنگ‌های اعراب و اسرائیل شروع شد. اسرائیلی‌ها در

جنگ بیش از آنچه طبق قطعنامه به آنان تعلق می‌گرفت سرزمین‌های عربی را اشغال کردند و ۸۰۰ هزار فلسطینی را آواره ساختند». (بیات، ۱۳۹۸: ۳۰۷) سرانجام دولت اسرائیل نیم قرن بعد از اولین کنگره صهیونیست‌ها، رسماً در سال ۱۹۴۸ ایجاد شد؛ اما آمار فاجعه آوارگان فلسطینی امروزه به میلیون‌ها نفر می‌رسند که از خانه‌هایشان رانده شده و حق ندارند به موطن اصلی خودشان برگردند.

۲. اهمیت مسئله فلسطین

۲-۱. مسئله فلسطین؛ بزرگ‌ترین مصیبت جهان بشریت

مسئله فلسطین بزرگ‌ترین مصیبت جهان امروز است. هرکسی که احساسی درباره انسان و عواطف انسانی دارد و دم از حقوق بشر و دم از حمایت مظلومین عالم می‌زند باید در این مسئله موضع‌گیری داشته باشند. بدون شک می‌توانیم بگوییم که مسئله و مصیبت فلسطین، جزو قضایای بی‌نظیر در تاریخ حیات بشری است. تا آنجا که ما فهمیدیم و دانستیم، این‌طور حادثه‌ای با این گستردگی نسبت به آحاد یک ملت، در طول تاریخ جوامع بشری نظیر ندارد. «شما هرچه از مصائب انسانی فرض کنید، در مصیبت و قضیه فلسطین جمع است؛ از قتل نفوس بی‌گناه، آواره کردن انسان‌ها و بی‌خانمان کردن آن‌ها، از شکنجه و زجر و حبس و تبعید و از این قبیل، از اهانت به کرامت انسانی، از نابود کردن سرمایه‌های بشری یک عده انسان، از فشار و ظلم و اختناق و اجازه فعالیت ندادن به یک عده بشر. همه این مصائبی که اگر در گوشه‌ای از عالم برای جمعی از مردم اتفاق بیفتد، بشریت را جریحه‌دار و داغدار می‌کند». (صلح میرزایی، ۱۳۹۱: ۵۳)

کسانی که از حقوق انسان صحبت می‌کنند در این مسئله کجایند؟ شما کدام ملت را دیده‌اید که در این مدت تجاوز اسرائیل (بیش از هفتادسال) به اندازه ملت فلسطین بالایشان ظلم شده باشند؟ عزیزان خودش را از دست داده باشند؟ و از خانه‌هایشان به زور و ظلم بیرون رانده شده و آواره شده‌اند؟ به تعبیر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای: «در فلسطین سه تا حادثه برای یک ملت به وجود آوردند. اول: سرزمین او را غصب و



اشغال کردند. دوم: در کنار این اشغال یک تبعید دسته‌جمعی انجام دادند و میلیون‌ها نفر از مردم فلسطین امروز تبعیدند، از منزل خودشان از خانه خودشان از شهر و دیار خودشان آواره و دور هستند و اجازه ندارند به آنجا بروند. سوم: این دو تا حادثه همراه شد با یک کشتار جمعی و عده‌ای زیادی را به قتل رساندند؛ زن، مرد، کودک، در شهرها در روستاها قتل‌عام کردند و یک جنایت عظیم بشری واقع شد. این قضیه فلسطین، یعنی حادثه اشغال و تبعید و قتل نسبت به یک ملت، نه نسبت به یک انسان یا نسبت به یک جمعیت محدود و این قضیه‌ای است که در تاریخ سابقه ندارد». (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۹۶/۱۰/۲۶)

۲-۲. مسئله فلسطین؛ مسئله اول جهان اسلام

مسئله فلسطین از دو جهت مسئله اول جهان اسلام است: یکی اینکه فلسطین از بهترین سرزمین‌های ممالک اسلامی است. «در بین همه مذاهب رایج اسلامی، هیچ اختلافی نیست و فقها همه بر این اتفاق دارند که اگر قطعه‌ای از خاک اسلامی به وسیله دشمنان اسلام جدا شد و حاکمیت دشمنان اسلام بر آن قطعه به وجود آمد، همه باید وظیفه خودشان را مجاهدت و تلاش برای برگرداندن آن قطعه به سرزمین اسلامی بدانند». (صلح میرزایی، ۱۳۹۱: ۵۴) لذا بر تمامی ملت‌های مسلمان لازم است به این وظیفه‌شان عمل کنند و هر شخص یا گروهی که هر کاری که می‌تواند انجام دهند و لحظه‌ای غافل نشینند.

جهت دوم این است «که اساساً تشکیل دولت یهودی - یا به تعبیر درست‌تر، دولت صهیونیست - در این نقطه از دنیای اسلام، با یک هدف بلندمدت استکباری به وجود آمده است. اصلاً به وجود آوردن این دولت در این نقطه حساس که تقریباً قلب دنیای اسلام است - یعنی قسمت غرب اسلامی را که آفریقا است، به قسمت شرق اسلامی که همین خاورمیانه و آسیا و مشرق است، متصل می‌کند و یک سه‌راهی است بین آسیا و آفریقا و اروپا - برای خاطر این بود که در بلندمدت، تداوم سلطه استعمارگران آن روز - که در رأسشان دولت انگلیس بود - بر دنیای اسلام باقی بماند و این طور نباشد که اگر یک وقت دولت اسلامی مقتدری - مثل دوران‌هایی از حکومت

عثمانی - به وجود آمد، بتواند جلو نفوذشان را در این منطقه بگیرد. لذا یک پایگاه برای خودشان درست کردند». (همان: ۵۵) لذا به وجود آوردن رژیم صهیونیستی یکی اهداف استعمارگران می‌باشند. بنابراین طبق اسناد تاریخی، تشکیل حکومت صهیونیستی در آنجا، بیش از آنچه آرزوی مردم یهود باشد، یک خواست استعماری دولت انگلیس بود. شواهدی وجود دارد که در همان زمان بسیاری از یهودی‌ها اعتقادشان این بود که احتیاجی به این دولت نیست؛ این دولت به نفعشان نیست؛ لذا گریزان بودند. بنابراین، این یک آرزو و ایده یهودی نبود؛ بیشتر یک ایده استعماری و یک ایده انگلیسی بود. البته بعد که به وسیله آمریکا گوی سیاست دنیا و گوی استکبار از دست انگلیس رفته شد، این هم جزو همان موارث استعماری بود که به آمریکا رسید و آمریکایی‌ها حداکثر استفاده را کردند و الان هم استفاده می‌کنند. (همان: ۵۵)

۲-۳. مسئله فلسطین؛ جنایات علیه بشریت

حوادث خونین غزه در طول بیش از هفتاد و اندی سال، چنان فجیع و دردناک است که نمی‌توان غم سنگین ناشی از آن را با زبان و قلم، بیان کرد. کودکان بی‌گناه و زنان و مردان مظلوم پس از سال‌ها محاصره کامل، اکنون با قساوت و شقاوت صهیونیست‌ها، در خانه و کاشانه خود به خاک و خون کشیده می‌شوند، غنچه‌های نارس در برابر چشمان پدر و مادر و پدران و مادران در برابر کودکان معصوم، در آتش کینه جلاخان غاصب می‌سوزند. (غزالی اصفهانی، ۱۳۸۸: ۳۷) مدعیان دروغین حقوق بشر، با وقاحت تمام، به سادگی از کنار چنین فاجعه‌ای عظیم انسانی به راحتی می‌گذرند، انگار که لال شده‌اند.

«ملت‌های اسلامی باید به جوش و خروش آید و سران کشورهای اسلامی باید خشم ملت‌های خود را به رخ رژیم غاصب بکوبند. دست دولت آمریکا نیز به خون ملت مظلوم فلسطین آغشته است. به پشتیبانی آن دولت مستکبر و طغیانگر است که صهیونیست‌ها با گستاخی مرتکب این جنایات‌های نابخشودنی می‌شوند، باید ملت‌ها و دولت و ملت‌های اسلامی ندای مظلومیت فلسطینیان مظلوم را به



سراسر جهان برسانند و وجدان‌های خفته را بیدار کنند. آیا ملت آمریکا می‌داند که زمامدارانش این‌گونه همه حرمت‌های بشری را در پیش پای صهیونیست‌ها قربانی کرده‌اند؟ آیا ملت‌های اروپایی با خیرند که تسلط سرمایه‌داران صهیونیست بر کشورهای آنان کار سیاستمداران‌شان را به کجا کشانده است؟» (همان: ۳۸)

۳. موانع حل مسئله فلسطین

حال سؤال اینجا است که چرا با وجود این‌همه جنایات صهیونیست‌ها کسی به داد مردم مظلوم فلسطین نرسیده است؟ کجایند آن‌هایی که دم از حقوق بشر و دم از آزادی انسان می‌زنند، با وجود این‌همه جنایات چرا سکوت کرده‌اند؟ آیا مردم فلسطین انسان نیستند؟ رسانه‌های عمومی جهانی کجایند؟ سازمان‌های حقوق بشر به‌ویژه «کمیته حقوق بشر سازمان ملل» کجاست؟ پس به‌وضوح می‌بینیم که آن‌هایی که دم از حقوق بشر می‌زنند، دروغ‌گویند و استفاده از واژه‌های مثل حقوق بشر یک ابزاری در اختیار آن‌هاست برای به‌پیش بردن اهداف استعماری و استثمار‌شان. اگر در یک نقطه دورافتاده‌ای از جهان، در کشوری که با آمریکا و صهیونیست‌ها رابطه‌شان خوب نباشند مسئله‌ای پیدا شود به‌طور بسیار سریع و صریح در بوق‌هایشان می‌دمند که حقوق بشر نقض شد؛ اما می‌بینیم که همین‌ها در مورد مسئله فلسطین لال شده‌اند که نشان از دروغ‌گو بودن همین بوق‌های استعماری دارد. این‌ها با اتخاذ چنین سیاست‌های دوگانه و شرم‌آوری که روی دست گرفته‌اند، نه تنها که مدافع حقوق انسان‌ها نیست، بلکه دشمن انسان و دشمن بشریت می‌باشند.

۳-۱. غفلت، پراکندگی و عدم وحدت مسلمین

حالا بگذریم از اینکه این‌هایی که دم از حقوق بشر می‌زنند و کاری برای مردم فلسطین نکرده‌اند. خود مسلمان‌ها چه کرده‌اند؟ جمعیت یهود چقدر است؟ جمعیت مسلمان‌ها چقدر می‌باشند؟ طبق آمارها جمعیت یهودیان سراسر دنیا از پنجاه میلیون تجاوز نمی‌کنند؛ اما جمعیت مسلمان‌ها در سطح جهان تقریباً به دو میلیارد نفر می‌رسند. بیش از هفتادسال است که بخشی از بهترین ممالک اسلامی



در زیر سلطه همین یهودیان می‌باشند که جمعیتشان نسبت به مسلمان‌ها خیلی اندک است. همین جمعیت اندک به دلیلی اتحادی که بین خودشان دارند و البته پشتیبانی‌های استکبار جهانی و نظام سلطه، چه جنایاتی ضد بشری را در کشورهای مختلف اسلامی، علی‌الخصوص فلسطین مرتکب می‌شوند. چرا این جمعیت عظیم مسلمانان، صهیونیست‌ها را از سرزمین فلسطین بیرون نمی‌کنند و فلسطینیان را نجات نمی‌دهند؟ جواب این سؤال خیلی واضح است؛ چون همین جمعیت عظیم با یکدیگر هم‌صدا و متحد نیستند و دشمنان کاری کرده‌اند به‌جای اینکه با هم علیه دشمن غاصب متحد شویم، شب و روز با هم در جدال هستیم. عدم اتحاد علت اصلی ناکامی مسلمین در حل قضایای این چنینی است.

علت اصلی حل نشدن مسئله فلسطین؛ غفلت، پراکندگی، تشتت و عدم اتحاد مسلمین است. امروز ملت‌های اسلامی با یکدیگر همراه و هم‌صدا نیستند. «اختلاف برای استعمار، برای امپریالیسم، یک چیز مغتنمی است. اگر در دنیای اسلام کشمکش نبود، اسرائیل قد علم کرده نمی‌توانست؛ اگر اختلاف نبود؛ سرزمین فلسطین غصب نمی‌شد؛ اگر اختلاف نبود؛ این نیروی انسانی عظیمی که در دنیای اسلام وجود دارند - که بالقوه یک ابرقدرت حقیقی و یک قدرت فائق است برای سراسر دنیا - این‌طور هرز و هدر نمی‌رفت؛ در خدمت اهداف دشمنان جهان اسلام قرار نمی‌گرفت». (مؤسسه فرهنگی حدیث لوح و قلم، ۱۳۹۲: ۳۶۷)

خداوند در قرآن کریم این هشدار را به ما داده بود که «و با یکدیگر نزاع نکنید که سست می‌شوید و قدرت و شوکت شما از میان می‌رود». (انفال: ۴۶) باوجود اختلافاتی که امروزه در دنیای اسلام وجود دارند، باعث شده است که مسلمین سست و فشل شوند و طبعاً امتی که سست و بی‌رمق شوند، نمی‌توانند از منافع و مهمات علیای اسلام حراست و صیانت و پاسداری کنند.

دشمنان اسلام به‌صورت پیوسته و مداوم در تلاش‌اند که در دنیای اسلام تفرقه ایجاد کنند و با ایجاد تفرقه و توطئه است که دشمنان اسلام به اهداف اغراض آمیزی که در سردارند می‌رسند؛ «اما موضوع یکپارچگی، موضوع یک‌جهتی دنیای اسلام



و موضوع *وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً* (آل عمران: ۱۰۳) که قرآن ما را به آن امر می‌کند؛ متأسفانه، آن‌گونه که باید باشد، نیست و این کار دشمن است. ملت‌های اسلامی مایل به اتحادند، اما دشمن تلاش ویژه‌ای برای اخلال در این امر انجام می‌دهد. (مؤسسه فرهنگی حدیث لوح و قلم، ۱۳۹۲: ۳۷۰) «متأسفانه توطئه دشمن آن قدر دقیق و حساب‌شده است که وجود دشمنی مانند رژیم صهیونیستی در قلب قلمرو اسلامی، شاید می‌توانست ما را به یکدیگر نزدیک‌تر سازد، ولی دست‌های مرموز استکبار، این خطر را هم از برابر خود برداشت. با ما کاری کرد که اینک از یکدیگر بیشتر می‌ترسیم تا از دشمن! وسوسه‌ها و دروغ‌ها و تبلیغات موزیانه، کشورهای اسلامی را به غلط و نابجا از یکدیگر ترسانده است». (همان: ۳۷۲)

«امروز یکی از بزرگ‌ترین مصائب دنیای اسلام، این است که دشمنان اسلام کاری کرده‌اند که آنچه باید وسیله اتحاد مسلمین شود - یعنی وجود دشمن و جود صهیونیست‌های غاصب - وسیله اختلاف آن‌ها شده است! کاری کرده‌اند که بعضی از دولت‌های مسلمان، این را وسیله برای قرار گرفتن در مقابل برادران خود بکنند و حقیقتاً اختلاف به وجود آید؛ در حالی که بودن چنین دشمنی در قلب کشورهای اسلامی، باید مسلمانان را به هم نزدیک کند؛ جبهه واحد تشکیل دهد و ید واحد به وجود آورد». (همان: ۳۷۳) این وضعیت هم به دخالت و دست‌اندازی‌های استکبار و نظام سلطه بر می‌گردد.

نتیجه تفرق جهان اسلام باعث همین وضعیتی می‌شود که امروز در فلسطین در جریان است. «امروز شما ببینید از تفرق دنیای اسلام و همدل نبودن متصدیان کشورهای اسلامی، بخشی از دنیای اسلام چه می‌کشد. امروز فلسطین با سبانه‌ترین روش‌ها لگدکوب می‌شود و مردم فلسطین در سخت‌ترین روزهای ممکن برای یک ملت، روزگار می‌گذرانند. با همه امکاناتی که دنیای اسلام دارد و با وجود میل و علاقه‌ای که بسیاری از مردم جهان اسلام، برای کمک دارند، عملاً کمکی به این قضیه نمی‌شود. این بسیار دردناک است. با نصیحت نمی‌شود رژیم صهیونیستی را وادار کرد تا ظلم نکند». (همان: ۳۷۴) بیش از هفتادسال است که این ظلم ادامه

دارد. جوان‌ها و نوجوان‌ها و زن‌ها و فرزندها و خانواده‌ها، در کوچه‌ها و خیابان‌ها، با تانک‌ها و سلاح‌های مرگبار روبرو می‌شوند و بی‌هیچ ملاحظه‌ای این‌طور سرکوب می‌شوند؛ این‌ها چیز کمی است؟ آن‌هم نه یک روز و پنج روز و یک ماه بلکه بیش از هفتادسال است که چنین وضعیتی در فلسطین حاکم است.

۲-۳. حمایت‌های آمریکا و غرب از رژیم صهیونیستی

به همان اندازه که دنیای اسلام جدا از هم است، دشمنان اسلام برای زدن اسلام باهم بسیج متحدند. درباره مسلمانان جهان، آنچه مایه رنج و تأسف و درد است، این است که مسلمانان، امروز به آن چیزی که بیش از همه احتیاج دارند، کمتر توجه می‌کنند و آن عبارت از بازگشت به اسلام ناب و اسلامی زنده نه اسلام مرده که اکثر جوامع اسلامی امروز مرده‌اند. علت این است که امروز، دشمنان اسلام در مقابل این دین، موضع بسیار خصمانه‌تر و حتی صریح‌تری اتخاذ کرده‌اند. درگذشته هم با اسلام، خیلی دشمنی و ستیزه شده است؛ اما امروز بیش از همیشه، این دشمنی خشن‌تر و صریح‌تر و ستیزه‌جویانه‌تر و کاربردی‌تر شده است.

«آمریکا در رأس این دشمنی قرار دارد و به‌عنوان عامل فساد سیاسی در جهان و اخلال در روابط مسلمین با یکدیگر و اخلال در روند حرکت رشد ملت‌ها و کشورهای اسلامی، عمل می‌کنند» (صلح میرزایی، ۱۳۹۱: ۱۴۲) و دیگر کشورهای غربی و اروپایی با آمریکا و صهیونیسم دستشان در یک کاسه است و از جنایات آمریکا و رژیم صهیونیستی، حمایت همه‌جانبه می‌کنند و یکی از مهم‌ترین دلایلی که رژیم صهیونیستی تا هنوز باقی مانده است، همین حمایت‌های آمریکا و غرب می‌باشند.

۳-۳. سلطه رسانه‌ای غرب و صهیونیسم بر جهان

«در دنیای کنونی، تحقق خواسته‌ها و اهداف نظامی بدون کنترل و هدایت رسانه‌های عالم‌گیر امکان‌پذیر نیست. تجربه آمریکا در ویتنام و همراهی نکردن رسانه‌ها با سیاست‌های این کشور در برهه‌ای خاص، مهم‌ترین گواه این مسئله و عامل مهمی در تغییر رویکرد و توجه سیاستمداران و نظامیان دولت آمریکا به اهمیت و جایگاه



رسانه‌ها در تجربه‌های بعدی بود؛ تجربه‌هایی که در آن‌ها، حقایق، پنهان می‌گردد و مسائلی غیرواقعی در راستای منافع دولتمردان و کنترل‌کنندگان رسانه‌ها منتشر می‌شود. به نظر بسیاری از صاحب‌نظران، نقش رسانه‌ها در جنگ ویتنام، مهم‌ترین عامل شکست امریکا و پیروزی ویتنام بود». (رضایی، ۱۳۸۹: ۵۰-۵۱) «امروز شما ببینید در دنیا قلم تبلیغات به دست کیست؟ این مقالات، مجله‌ها و روزنامه‌های دنیا را چه کسی می‌نویسند؟ یا این قلم‌ها در اختیار قدرتمندان کشورهای است که این مطبوعات از آنجا صادر می‌شوند، یا در اختیار شبکه تبلیغات عظیم جهانی استکبار است که عمدتاً به وسیله صهیونیست‌ها اداره می‌شود. امروز خبرگزاری‌های عمده دنیا در قبضه صهیونیست‌هاست. تمام شبکه‌های تلویزیونی مهم آمریکا و شبکه‌های رادیویی بسیار وسیع آمریکا دست یهودی‌ها است. این سلسله اعصاب خبری و تبلیغاتی به مغزی متصل می‌شود که آن متعلق به صهیونیست‌ها و یهودیان است. معروف‌ترین روزنامه‌های امریکا - همین نیویورک تایمز و واشنگتن پست و این‌هایی که هست - مال یهودی‌ها است». (مؤسسه فرهنگی حدیث لوح و قلم، ۱۳۹۲: ۷۹-۸۲)

«یکی از چیزهایی که در روز اول، ایجاد دولت غاصب را زمینه‌سازی کرد و امروز هم ادامه آن دولت را زمینه‌سازی می‌کند، تبلیغاتی سراسری صهیونیست‌ها و دوستانشان است که در همه جای دنیا به راه انداخته‌اند. برای افکار مردم دنیا، این طور وانمود کرده‌اند که صاحب‌خانه، آن کسانی هستند که بر آنجا حکومت می‌کنند و یک عده دور از فرهنگ هم برای آن‌ها مزاحمت ایجاد می‌کنند! متأسفانه، این را در دنیا جا انداخته‌اند. روی این قضیه، در افکار عمومی و در فرهنگ عام جهانی، کار تبلیغاتی کرده‌اند؛ ولی ما مسلمین غافل بوده‌ایم! ما مسلمین، به شیوه‌های تبلیغاتی دشمن وقوف پیدا نکرده‌ایم. از بهترین شیوه‌ها، برای بیان حقیقت استفاده نکرده‌ایم»؛ (همان: ۸۲) اما برخلاف ما دشمنان ما بهترین استفاده را از رسانه کرده است و همچنان می‌کنند و حقیقتی که می‌شود به آن اعتراف کرد این است که دشمنان ما به بلوغ رسانه‌ای رسیده‌اند و کارهایشان با قدرت رسانه‌هایشان



پیش می‌روند و این‌ها حساب ویژه‌ای روی رسانه باز کرده است و نتیجه هم گرفته است. در اجتماع بزرگان صهیونیسم که در سال ۱۹۸۷ در بازل سوئیس دایر شده بود، آن‌ها در آن جلسه پروتکل‌هایی را که امضا می‌کنند، می‌گویند: طلای دنیا که همان رسانه باشد، در دست ماست. پس آن‌ها خیلی سال‌ها قبل در فعالیت بودند تا بتوانند طلای دنیا را که همان رسانه باشد به دست بیاورند.

قدرت جنگ نرم غرب، بیش از قدرت نظامی غرب است و امروز دنیای غرب مجهز به سلاح رسانه شده‌اند و با این سلاح، اذهان مردم را به نفع خودشان تسخیر و کنترل می‌کنند و امروز هم در مسئله فلسطین این‌ها تلاش دارند قضیه را طوری تئوریزه بکنند که فلسطین متعلق به یهود و حق یهود است. رسانه‌ها این پتانسیل را دارد که سیاه را سفید و سفید را سیاه جلوه دهند. البته که صهیونیسم و دنیای غرب از این پتانسیل رسانه‌ها بهترین بهره‌ها را برده است و همچنان می‌برند.

۴. راه‌حل‌های مسئله فلسطین

برای حل مسئله فلسطین، همواره ما از دو نوع راه می‌توانیم این مسئله را حل کنیم: یکی راه‌حل‌های نادرست و دیگر راه‌حل‌های درست.

۴-۱. راه‌حل‌های نادرست

۴-۱-۱. گفتگو

با ویژگی‌هایی که رژیم صهیونیستی از خود در طول این سال‌ها بروز داده است گفتگو یک راه‌حل غلط است رژیمی غاصبی که نه به ارزش‌های انسانی پایبند است و نه به قوانین بین‌المللی با او نمی‌شود گفتگو کرد و این راه‌حل، راه‌حل غلطی است. به خاطری که اسرائیل به امضای خود هم پایبند نیست. پس پرواضح است اینکه این‌ها اگر توافق هم بکنند، امضا هم بکنند، پایبند نمی‌ماند و این هم به خاطر این است که دین تحریف‌شده آنان این اجازه را به آن‌ها داده است که هرگاه با غیر یهود پیمان بستید لازم نیست که به آن پیمان متعهد باشید و انسان‌های دیگر (غیر یهود) مانند حیواناتی است برای خدمت به یهود. بنابراین آن کسانی که می‌گویند از راه دیپلماسی و



مذاکره قضیه فلسطین را حل کنیم اشتباه می‌کنند؛ با وجود این طرز دید یهود چه جای مذاکره‌ای باقی می‌ماند. البته یهودیانی در دنیا وجود دارند که طرز دیدشان با یهود صهیونیسم متفاوت است و با اسرائیل مخالف هستند اما این‌ها در اقلیت قرار دارند که منظور ما در این نگارش بیشتر متوجه یهود صهیونیسم است.

۴-۱-۲. دل بستن به حقوق بشر آمریکایی

مدعیانی حقوق بشر، کسانی هستند که در هر نقطه دنیا سر چیز کوچکی دولت‌هایی را که مطیع آن‌ها نیستند، به نقض حقوق بشر متهم می‌کنند؛ در اروپا و غرب نشسته‌اند، دست روی دست هم گذاشته‌اند؛ فارغ‌البال و بی‌خیال دارند به این کشتار روزانه نگاه می‌کنند. «اگر کسی یک گوسفند را هم در یکی از خیابان‌های پایتخت کشورهای اروپایی سر ببرند، این قدر فراغت بال به وجود نخواهد آمد. برای کشتن ده‌ها و صدها انسان و برای نابود شدن کودکان، زنان و مردان بی‌دفاع، کسانی که در هیچ کار مسلحانه‌ای شرکت نداشته‌اند و همین‌طور چشم‌بسته به قتل می‌رسند، ارزشی به قدر یک گوسفند ندارند؟ امروز وضع عدالت در دنیا، این است.» (صلح میرزایی، ۱۳۹۱: ۳۳۸) این‌ها کسانی هستند که حقوق بشر را چماقی ساخته‌اند که بکوبند بر سر ملت‌ها و کشورها و دولت‌هایی که با این‌ها مشکل دارند و گرنه تعهدی به حقوق انسان ندارند، این‌ها مدافع حقوق بشر نیستند که هیچ، بلکه دشمن بشرند. پس احیاناً اگر ما منتظر این باشیم که این‌هایی که دم از حقوق بشر می‌زنند، مشکل فلسطین را حل کنند، در حقیقت خود را فریب داده‌ایم.

۴-۲. راه‌حل‌های درست

راه‌حل درست مسئله فلسطین، این است که مردم واقعی فلسطین خودشان حق دارند که برای خودشان تصمیم بگیرند و خود نظام حاکم بر کشورشان را تعیین کنند. اگر اتکا به آراء یک ملت از نظر مدعیان دموکراسی در دنیا حرف راستی است، ملت فلسطین هم یک ملت است و باید تصمیم بگیرد. این رژیم‌ها که امروز در سرزمین‌های اشغالی حاکم است از هیچ نظر مشروع نیست و هیچ حقی بر این سرزمین ندارند؛ یک رژیم ساخته شده قدرت‌های استعماری و استکباری است.

فلسطین متعلق به فلسطینی هاست. مردمان واقعی فلسطین، چه آن‌های که در داخل هستند، چه آن‌های که در کشورهای دیگر مثل اردن و جاهای دیگر آواره‌اند باید از همه فلسطینی در هر جای عالم که باشند نظرخواهی کنند؛ هر دولتی که آن‌ها خواستند، سر کار بیاید. آن دولت اگر مسلمان باشد یا غیر آن و اگر دولتی با آراء مردم واقعی فلسطین پدید آید آن وقت آن دولت مشروع است.

۴-۲-۱. رفراندوم^۱ (همه‌پرسی)

یک پیشنهاد درست و منطقی که منطبق بر مردم‌سالاری است که می‌تواند منطق مشترک همه افکار جهانی باشد. آن پیشنهاد این است که همه صاحبان اصلی مردم فلسطین چه مسیحی چه یهودی و چه مسلمان در یک رفراندومی شرکت کنند و دولت موردنظر خودشان را انتخاب کنند.

«برای این مسئله، راه‌حلی منطقی راه‌حلی است که همه وجدان‌های بیدار دنیا همه کسانی که به مفاهیم امروز دنیا معتقدند، ناچارند آن را قبول کنند. راه‌حل نظرخواهی از خود مردم فلسطین؛ همه کسانی که از فلسطین آواره شده‌اند؛ این کسانی که در لبنان و در اردن و در کویت و در مصر و در بقیه کشورهای عربی سرگردانند، به کشور و به خانه خودشان برگردند؛ این‌ها در یک نظرخواهی عمومی، رژیم حاکم بر سرزمین فلسطین را تعیین کنند؛ آن‌ها باید رأی و نظر بدهند؛ آن‌ها در یک نظرخواهی در مقابل چشم مردم جهان، در یک رفراندوم، تکلیف دولت فلسطین را معین کنند و آن دولت، دولت مشروعی خواهد بود. این هم دموکراسی است، هم آرای مردم است، هم حقوق بشر است، هم منطبق با منطق فعلی دنیاست. کسانی که می‌گویند: ما معتقد به آرای مردم و معتقد به دموکراسی هستیم، بسیار خوب؛ بفرمایید این هم دموکراسی! بالاخره این قطعه از دنیا که در اینجا قرار دارد، مردمی داشته است؛ این مردم امروز هم هستند و زنده‌اند؛ چند میلیون نفر در همان‌جا زندگی می‌کنند، چند میلیون نفر هم در خارج از آنجا - در نقاط دیگر دنیا زندگی می‌کنند؛ این‌ها بیایند در همان‌جا اجتماع پیدا کنند و خودشان حکومت خود را انتخاب کنند؛ این روش بسیار درستی

1. Refrendum



است». (همان)

«و دنیای غرب مجبور است این پیشنهاد را قبول کنند که در صورت نپذیرفتن این راه‌حل، نشانه پایبند نبودن آن‌ها به دموکراسی است که پیوسته از آن دم می‌زنند و این آزمون افشاگر دیگری علیه آنان خواهد شد. آزمون قبلی آنان نیز در فلسطین بود که نتیجه انتخابات کرانه باختری و غزه را که روی کار آمدن دولت حماس بود، نخواستند بپذیرند. کسانی که دموکراسی را تا جایی می‌پذیرند که نتایج آن مطلوب آنان باشد، جنگ طلب و ماجراجویند و اگر از صلح دم می‌زنند جز دروغ و فریب نیست». (صلح میرزایی، ۱۳۹۱: ۳۴۴)

چطور است که نسخه دموکراسی برای همه دنیا خوب است اما برای مردم فلسطین خوب نیست؟ چطور همه دنیا حق دخالت در سرنوشتشان را دارند؛ اما مردم فلسطین ندارند در این شکی نیست رژیم‌های که امروز در فلسطین بر حاکم است؛ رژیم‌های است که مشروعیت بین‌المللی ندارد و با زور و حيله بر سرکار آمده است.

البته بعضی‌ها شاید خیال کنند حل شدن بعید اما با تلاش و همت می‌شود مسئله فلسطین را به خوبی حل چنانچه نمونه‌های از این قبیل ما در تاریخ شاهدش هستیم کشورهای دریای بالتیک بعد از گذشت چهل سال و اندی که جزو شوروی سابق بودند، برگشتند و مستقل شدند. کشورهای منطقه قفقاز بعضی در حدود صدسال قبل از این که شوروی تشکیل شود در اختیار روسیه تزاری بودند؛ بعد برگشتند و مستقل شدند. آلمان قزاقستان، آذربایجان، گرجستان و بقیه مستقل‌اند. پس حل شدن قضیه فلسطین هم ممکن است و این طور نیست که یک امر نشدنی باشد؛ منتها اراده و عزم لازم دارد، جرئت و دلیری لازم دارد؛ که باید دلیری به خرج دهد؟ ملت‌ها یا دولت‌ها؟

۴-۲-۲. مقاومت

«مسلمانان با همکاری و تکیه بر مبانی مشترکی که قرآن و سنت بدان ناطق است قدرت خواهند یافت که در برابر این اهریمن چند چهره بایستند و آن را مغلوب اراده و ایمان خود سازند» (صلح میرزایی، ۱۳۹۱: ۳۶۲) با سلاح ایمان می‌شود که ترفندها



و توطئه‌های کور دشمن را به شکست و انفعال تبدیل کرد. به تعبیر قرآن «إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا». (النساء: ۷۶) حقیقتاً که نیرنگ و توطئه دشمن (شیطان) در برابر اراده خدا و پایداری شما، سست و بی پایه است و ما نتیجه چنین مقاومتی را هم بعینه دیده‌ایم که با مقاومت بر خواسته از عزم و ایمان، پیروزی نصیب مؤمنان و شکست و رسوایی نصیب ستمگران شده است. فتح نمایان جنگ ۳۳ روزه در لبنان که توانست، دشمن مستکبر و مغرور و پرمدها را شکست دهد، یک نمونه بارز است. علت اصلی شکست و ناکامی از دور شدن از اسلام ناب و دچار روزمرگی شدن دنیا اسلام و فراموش کردن هویت اسلامی ثانیاً خیانت کشورهای عرب می‌باشند. کلید حل مشکلات فلسطین و رمز پیروزی بر دشمن سفاک؛ مبارزه در پرتو اسلام است نه ناسیونالیسم.^۱ واضح و روشن است که ناسیونالیسم و قومیت‌گرایی نمی‌تواند مشکلات بزرگی همچون مسئله فلسطین را حل کند.

۴-۲-۳. وحدت مسلمین

مراد نگارند از وحدت یک امر ساده روشن و صریح و ضروری برای دنیا اسلام است و آن عبارت از همکاری فرقه‌های مختلف مسلمین بر سر منافع مشترک مسلمین در سراسر عالم. مقصود از اتحاد مسلمین، این است که همدیگر را نفی نکنند، دشمن را بر یکدیگر مسلط نکنند و بعضی بر بعضی، به ستم غلبه نکنند. امروز دشمنان علیه اسلام قیام کرده‌اند، نه علیه تسنن یا تشیع یا فلان فرقه یا فلان جمعیت. دشمنان با اسلام بدند و با قرآن دشمن‌اند. «نزدیک به دو میلیارد نفر از جمعیت دنیا مسلمانند و مسکن آن‌ها یکی از مهم‌ترین و ارزنده‌ترین قطعات این زمین است. این همه منابع طبیعی، این میراث عظیم فرهنگی، این نیروی انسانی کارآمد و با استعداد، این بازار بزرگ برای محصولات غربی، این نفت و گاز ارزشمندی که در این کشورها هست؛ این‌ها وسوسه‌کننده قدرت‌های استکباری است؛ می‌خواهند بر این‌ها تسلط کامل داشته باشند؛ اما بیداری امت اسلامی مانع این است. وحدت امت اسلامی بزرگ‌ترین سد در مقابل این دشمنان است؛ لذا در شکستن این سد، همه تلاش خود

1. Nationalism



را به کار می‌برند». (مؤسسه فرهنگی حدیث لوح و قلم، ۱۳۹۲: ۳۷۶)

امروز راه اصلی و مناسبی که پیش روی مسلمین است اتحاد همگی مسلمین است تا دشمنان قسم‌خورده اسلام را که در پی محو هویت ملی و دینی در دنیای اسلام و بخصوص در خاورمیانه است. مقابله کنند، با تمسک به اسلام، با ایستادن در مقابل زیاده‌خواهی‌های نظام سلطه، عملی است و لاغیر. دولت‌های اسلامی برای حفظ منافع خودشان، برای ادای مسئولیت‌های اسلامی خودشان، باید بر هویت اسلامی تکیه کنند؛ از ملت فلسطین و از ملت‌های مظلوم اسلامی صریح درست و بجا و به‌موقع دفاع کنند. امروز روز اتحاد دنیای اسلام است. شما ببینید برای به هم زدن همین اتحاد ضعیف کنونی، دشمن چقدر سرمایه‌گذاری می‌کند. برای اینکه بین فرق اسلامی، اقوام و ملت‌های اسلامی، به بهانه‌های مختلف اختلاف بیندازند. البته در این زمینه دشمن خیلی فعال است و مسئله شیعه و سنی یکی از سلاح‌های خطرناک که دشمن از این طریق هم‌ریشه شیعه را می‌زند و هم‌ریشه سنی را. اختلاف شیعه و سنی یکی از ابزارهای دشمن علیه امت اسلامی است.

البته سخن از وحدت امت اسلامی، یکی شدن عقاید و مذاهب اسلامی نیست. میدان برخورد مذاهب و عقاید اسلامی و عقاید کلامی و عقاید فقهی هر فرقه‌ای عقاید خودش را دارد و خواهد داشت میدان علمی است؛ میدان بحث فقهی است؛ میدان بحث کلامی است و اختلاف عقاید فقهی و کلامی می‌تواند هیچ تأثیری در میدان واقعیت زندگی و در میدان سیاست نداشته باشد. مراد ما از وحدت دنیای اسلام، عدم تنازع است: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا»؛ تنازع نباشد، اختلاف نباشد. قرآن می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ (آل عمران: ۱۰۳) و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده و گروه‌گروه نشوید. اعتصام به حبل‌الله برای هر مسلمان یک وظیفه است؛ اما قرآن اکتفا نمی‌کند به اینکه ما را به اعتصام به حبل‌الله امر کند، بلکه به ما می‌گوید که اعتصام به حبل‌الله را در هیئت اجتماع انجام بدهید؛ «جمیعاً»؛ همه با هم اعتصام کنید و این اجتماع و این اتحاد، یک واجب دیگر است. بنابراین، علاوه بر اینکه مسلمانان باید معتصم به حبل‌الله باشد،

باید این اعتصام را به همراه دیگر مسلمان‌ها و همدست با آن‌ها انجام دهد. ما این اعتصام را درست بشناسیم و آن را انجام دهیم. آیه شریفه قرآن می‌فرماید: «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنِ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا»؛ (بقره: ۲۵۶) پس هر کس به طاغوت (شیطان، بت و هر طغیانگری است) کفر ورزد و به خدا ایمان بیاورد، بی‌تردید به محکم‌ترین دستگیره که آن را گسستن نیست، چنگ زده است. قرآن این اعتصام به حبل‌الله را برای ما معنا می‌کند. تمسک به حبل‌الله چگونه است؟ با ایمان به الله و کفر به طاغوت.

«امروز طاغوت اعظم در دنیا رژیم ایالات متحده آمریکا است؛ زیرا صهیونیسم را او به وجود آورده است و رژیم صهیونیستی را حمایت و تأیید می‌کند. آمریکا جانشین طاغوت اعظم قلبی یعنی انگلیس است. امروز تجاوز رژیم ایالات متحده و همفکران و همکارانش، دنیای اسلام را در وضعیت دشواری قرار داده است. در بسیاری از بخش‌های امت اسلامی ایمان به الله هست، اما کفر به طاغوت نیست. کفر به طاغوت لازم است. بدون کفر به طاغوت، تمسک به عروه و ثقای الهی امکان‌پذیر نیست. امروز بیش از همه چیز، در امت اسلامی اتحاد لازم است. وحدت پیدا کنیم، حرفمان را یکی کنیم، دلمان را یکی کنیم، این وظیفه یکایک کسانی است که در این امت بزرگ مسلمان قدرت تأثیرگذاری دارند. چه دولت‌ها، چه روشنفکران، چه علما، چه فعالان گوناگون سیاسی و اجتماعی، هرکدامی در هر کشوری از کشورهای اسلامی هستند، وظیفه دارند امت اسلامی را بیدار کنند و این حقایق را به آن‌ها بگویند؛ این وضعیت تلخ را که دشمنان اسلام به وجود آوردند، برای آن‌ها روشن و تبیین کنند؛ آن‌ها را دعوت کنند به اینکه درصدد انجام وظیفه بریایند؛ این وظیفه همه ما است.» (مؤسسه فرهنگی حدیث لوح و قلم، ۱۳۹۲: ۳۹۶).

امروز فریاد تفرقه از سوی دشمنان اسلام بلند می‌شود. مسئله شیعه و سنی را دشمنان اسلام رویش دست گذاشته و همواره مطرح می‌کنند. تحلیل‌گران آمریکایی و انگلیسی و غربی، جزو مسائلی که مطرح می‌کنند، روی آن مطالعه و تأکید می‌کنند، این است که بیاییم اسلام سنی را از اسلام شیعی جدا کنیم و بین این‌ها درگیری



به وجود بیاوریم. امروز دشمن از ابزارهای جدید برای زدن اسلام استفاده می‌کند این را باید متوجه باشیم، بیدار باشیم. می‌خواهند ما را به همدیگر مشغول کنند تا از آن نقطه‌ای اصلی که ما باید به آن توجه داشته باشیم ما دور می‌کنند. می‌خواهند ملت‌های مسلمان، مذاهب اسلامی، اعم از شیعه و سنی و را متوجه به هم کنند تا «مسئله اسرائیل» فراموش شود. ماجرای غصب باید ما را هرچه بیشتر با هم متحدتر و نزدیک‌تر کنند نه این‌که باعث اختلاف بیشتر ما شود.

خلاصه اینکه اگر دنیای اسلام باهم متحد شوند می‌توانند این غده چرکینِ سرطانی که بیش از هفتاد و اندی سال است قلب و پیکر امت اسلامی را آزار می‌دهد، جراحی کنند و دور اندازند و الا فساد این غده زیاد شده و یکایک اعضای پیکر امت اسلامی را فاسد می‌کند و جز این راهی برای مهار این غده سرطانی وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

بررسی تاریخی جنبش صهیونیسم نشان می‌دهد که دست‌های زیادی پشت تشکیل این رژیم بوده و همچنان هست. ملت یهود سالیان زیادی بود که به صورت پراکنده در جای‌جای عالم زیست می‌کرد؛ اما در ظرف چهل پنجاه سال آمدند در فلسطین و اساس ظلم به یک ملت را با غصب سرزمین آن گذاشتند، خانه‌های فلسطینیان را به زور و ظلم تصرف کردند و میلیون‌ها نفر را آواره کردند. سیاست‌های دوگانه مدعیان حقوق بشر را در مورد مسئله فلسطین در این سال‌ها به وضوح مشاهده نمودیم. از طرف دیگر عدم وحدت مسلمان‌ها باعث شده که دشمنان اسلام سنگرهای زیادی را به نفع خودشان فتح کنند. اگر وضعیت به همین منوال پیش برود، امیدی نباید داشت که مسئله فلسطین حل شود. برای حل مسئله فلسطین یک تغییرات بنیادین، در سطح جهان باید به وجود بیاید. در سیاست خارجی کشورهای اسلامی تغییراتی باید رونما گردد و همبستگی اسلامی میان ملل مسلمان به معنای واقعی کلمه، باید به وجود بیاید تا همه ملل اسلامی با کمک همدیگر بتوانند غده سرطانی به نام اسرائیل را جراحی کنند و اگر چنین نشود، هزار سال هم اگر طول بکشد، بازهم

مسئله فلسطین حل نشده باقی خواهد ماند. راه حل واقعی مسئله فلسطین در قدم اول به دست خود مردم فلسطین است که مقاومت و مبارزه کنند و در قدم بعدی وظیفه همه ملل اسلامی است در هر جای عالم که باشند.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. حسینی خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۹۶/۱۰/۲۶)، بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار شرکت‌کنندگان در کنفرانس اتحادیه بین‌المجالس سازمان همکاری اسلامی، تهران.
۲. حسینی شیرازی، سید محمد، (۱۳۶۶)، دنیا باز یچه یهود، (ترجمه: هادی مدرسی)، قم: انتشارات امام صادق (ع).
۳. صلح میرزایی، سعید، فلسطین از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱.
۴. غزالی اصفهانی، حسین، (۱۳۸۸)، غزه در آتش و خون، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
۵. مؤسسه فرهنگی حدیث لوح و قلم، (۱۳۹۲)، توهم سلطه: گزیده بیانات آیت‌الله خامنه‌ای پیرامون صهیونیسم، تهران: نشر انقلاب اسلامی.

